

تحلیل «دنیاطلبي قاتلان امام حسین (ع)» به عنوان یک وصف و خلق اجتماعی

و تطبیق آن بر «محور قرار گرفتن رفاه» در اهداف برنامه‌های توسعه
و ضرورت برخورد علمی روحانیت و متدینین با آن به عنوان مصداق
انتقام از قاتلان امام (ع)

روز دهم محرم (۹ شهریور ۱۳۹۹)

حجت الاسلام محمدصادق حیدری

مؤمنین و عزاداران حسینی باید بدانند که این مصائب و جنایاتی که امروز بر امام حسین (ع) و اهل بیت و اصحاب ایشان وارد شد، از چه اوصاف و اخلاق اجتماعی نشأت گرفته بود؟ به عبارت دیگر، امتی که این جنایت بزرگ تاریخ را رقم زدند، حول چه اخلاقی بسیج شده و به وحدت رسیده بودند؟ وقتی مؤمنین این مصائب عظیم را می‌شنوند و خون‌شان به جوش می‌آید و می‌خواهند با ادامه دادن راه امام حسین (ع)، ایشان را یاری نمایند و انتقام از دشمنان حضرت بگیرند، باید اوصاف این دشمنان و مرتکبین این جنایات را بدانند تا طرف انتقام خود را بشناسند. در زیارت اربعین، این امت به این صورت توصیف شده‌اند: «قَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيَا»؛ کسانی که دنیا فریب‌شان داده بود، با یکدیگر همدست شده و همکاری

۱. این مباحث در دهه اول محرم ۱۳۹۹ در هیئت گفتمان انقلاب شهر مقدس قم مطرح شده است. جهت دریافت صوت و متن کامل مباحث به پیام‌رسان «بله و ای‌تا» به نشانی ذیل مراجعه کنید:

اجتماعی نمودند برای کشتن امام حسین (ع). اینکه در چنین روزی حضرت زینب (س) در بالای تل زینبیه، خطاب به عمر بن سعد فریاد می‌زند: «آیا اباعبدالله (ع) کشته می‌شود و تو نظاره می‌کنی؟» و او نسبت به این اتمام حجت حضرت زینب (س) بی‌اعتنایی می‌کند و روی خود را بر می‌گرداند، به خاطر جاذبه‌ی اجتماعی است که برای دنیا ایجاد کرده‌اند. در مباحث سال‌های گذشته مطرح شد که «میل به دنیا و فریب دنیا» یک میل و کشش فردی و کلی به سمت خوردن و آشامیدن ساده نبوده که هوای نفس امثال عمر بن سعد به تنهایی آن طلب کند؛ بلکه دنیاپرستی، مصادیق عینی واضح و روشنی داشت.

پس یک اخلاق جمعی و همکاری اجتماعی بود که یک «امت» را علی‌رغم تمامی اختلافاتشان برای انجام چنین جنایت عظیمی هماهنگ می‌کند. یک بستر اجتماعی برای لذت بردن از دنیا ایجاد شده بود که عبارت بود از «الگوی مصرف زندگی امپراتوری ایران و روم». لذا برای فرماندهی این جنایت بزرگ، «ملک ری» را به عمر بن سعد پیشنهاد می‌کنند؛ «ری» در آن دوران، یک شهر کوچک نبود بلکه آنجا مرکز زرتشتیان بود که مخازن بزرگ طلا و جواهرات معابد و آتشکده‌ها در آن قرار داشت. همچنین این شهر در مسیر جاده ابریشم بود که به تعبیر امروزی «هاب تجاری» منطقه بود. بنابراین معنای عینی دنیاپرستی برای امثال عمر بن سعدها، فرمانداری بر چنین مکانی بود که خواص آن روز، آرزوی آن را داشتند. حال آیا ایجاد این جاذبه‌ها و نمونه‌های دنیاپرستی و سوق دادن خواص جامعه به طرف آن و فریب‌ده کردن دنیا در مقابل آنان، کار یک نفر یا چند نفر است؟! البته امت پیامبر اکرم در ابتدا با این معنا از دنیاپرستی و معاشقه با دنیا، آشنا نبود اما بعد از فتح امپراتوری ایران و روم، با آن آشنا شدند و خلفای نفاق این نوع الگوی مصرف را با روکش ظواهر دین، وارد جامعه کردند و مزه آن را به مذاق خواص چشانند و در آن فرو رفته و غرق شدند. از این رو، باید توجه داشت برای رسیدن به این نوع از دنیا بود که امت اسلامی حول کشتن محبوب‌ترین مخلوق خداوند و پیامبر (ص) به وحدت رسیدند؛ نه هوای نفس شخصی افراد برای رسیدن به چند سکه طلا! «عَرَّتَهُ الدُّنْيَا» چنین معنایی دارد.

امروز نیز برای فریب دادن مردم، این‌طور نیست که تک تک افراد را به حب دنیا دعوت کنند بلکه برای دنیاپرست کردن امت‌ها و جوامع، بسترها و ابزارهای اجتماعی درست می‌کنند. بیان شد که این ابزارها، «مدل اداره» کشورها نام دارد که همانند ماشین، جوامع را سوار کرده و در یک مقصد خاص پیاده می‌کند و مردم را به نام رسیدن به «رفاه»، دنیاطلب و دنیاپرست می‌کند. زیرا رفاه اگر مقید به هیچ حد و حدود و شرایطی نباشد و محور اهداف یک جامعه شود و بر دین و مکتب حکومت کند، باید آن را رفاه دنیاپرستان و

کفار دانست. اما رفاه اگر مقید به دین شود و به عبارت دیگر، دین، حد و حدود رفاه را تعریف کند، رفاه مؤمنین و مسلمانان است. لذا این الگوی مدل اداره غربی، تمام جوامع و حکومت‌ها را به سمت رفاه روزافزون دنیاپرستانه می‌برد که به تعبیر حضرت امام (ره) همان «بت‌پرستی مدرن» است.^۲ خداوند متعال در قرآن، هدف اصلی از بت‌پرستی را این گونه توصیف می‌فرماید: «إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا»^۳ (عنکبوت/۲۵)؛ کلمه «إِنَّمَا» برای معنای «حصر» استعمال می‌شود و بر این اساس، خداوند هدف از بت‌پرستی را منحصر می‌کند به «حب دنیا» در بین کفار. پس اینکه کفار «بت» را به جای خداوند متعال پرستش می‌کنند فقط به خاطر لذت و محبت و عشق دسته‌جمعی آنها به دنیا است که برای توجیه این عشق به دنیا، یک زبان و فرهنگ اجتماعی به نام «بت‌پرستی» ایجاد می‌کنند. زیرا سلاطین و رؤسای آنها به دنبال بیشترین و بزرگ‌ترین شهوات و لذات دنیوی هستند و برای رسیدن به این سطح از شهوات، باید بیشترین ظلم‌ها و تجاوزها انجام بدهند. پس برای مقبولیت و همراهی افکار عمومی مردم با آن همه ظلم و تجاوز، دین «بت‌پرستی» را ایجاد کردند تا تحت آن و به اسم «خواست بت‌ها» بتوانند به اهداف خود برسند.

امروز نیز به اسم «توسعه‌یافتگی»، رفاه مطلق و بدون قید و شرط را هدف انحصاری جوامع می‌کنند؛ این، همان معنای جدید و مدرن از دنیاپرستی است و اگر ما می‌خواهیم این هدف را تغییر دهیم و رفاه را به دین و اخلاق و ارزش‌های اسلامی مقید کنیم، صرفاً نمی‌توانیم به نیت خیر مُجریان و آخرت‌گرایی فردی آنها اکتفا کنیم چون طرف مقابل، رفاه مادی را به یک هدف کلی منحصر نکرده تا با نیت فرد تغییر کند بلکه آن را به اهداف کیفی و کمی تبدیل کرده است. پس ما باید بتوانیم رفاه دینی و الهی را کمی و قابل محاسبه عینی نموده و سپس ابزارهای مخصوص آن را تولید کنیم. زیرا کفار نیز برای اینکه جوامع را به هدف دنیاپرستی سوق بدهند، توانسته‌اند آن هدف کلی را به صورت کمی و کیفی در سطح «الگوها، چشم‌اندازها، سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی» بیاورند و سپس اعداد و شاخصه‌های کمی آن را در طراحی

۲. حضرت امام خمینی قدس سره: «تمام بت‌شکنی‌ها و مبارزات و جنگ‌های حضرت ابراهیم با نمرودیان و ماه و خورشید و ستاره‌پرستان، مقدمه یک هجرت بزرگ و همه آن هجرت‌ها و تحمل سختی‌ها و سکونت در وادی غیر ذی زرع و ساختن بیت وفدیه اسماعیل، مقدمه بعثت و رسالتی است که در آن، ختم پیام آوران، سخن اولین و آخرین بانیان و مؤسسان کعبه را تکرار می‌کند و رسالت ابدی خود را با کلام ابدی «إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ» ابلاغ می‌نماید که اگر غیر از این تحلیل و تفسیری ارائه دهیم، اصلاً در زمان معاصر، بت و بت‌پرستی وجود ندارد و راستی کدام انسان عاقلی است که بت‌پرستی جدید و مُدرن را در شکل‌ها و افسون‌ها و ترفندهای ویژه خود نشناخته باشد و از سلطه‌ای که بتخانه‌هایی چون کاخ سیاه بر ممالک اسلامی و خون و ناموس مسلمین و جهان سوم پیدا کرده‌اند، خیر نداشته باشد». ۶۶/۵/۶.

۳. «بت‌هایی را که به جای خدای یکتا به خدایی بر گرفته‌اید تنها بخاطر دوستی و علاقه میان شما به دنیا است».

برنامه‌های پنج‌ساله و سالانه و در تمام عرصه‌های حاکمیت و بخش‌ها و وزارتخانه‌ها معین نمایند. بنابراین برای یاری امام حسین (ع) و گرفتن انتقام از قاتلین حضرت - که دنیاپرستی را به اخلاقی جمعی تبدیل کرده بودند - نمی‌توان با اهداف کلی و اجمالی در برابر رفتار امروزین کسانی ایستاد که ادامه دهندگان راه قاتلین امام حسین (ع) هستند. در واقع این اخلاق قاتلین اباعبدالله (ع)، کشیدگی تاریخی دارد و لذا در زیارت عاشورا می‌گوییم: «اللَّهُمَّ الْعَنْ أَوْلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ آخِرَ تَابِعٍ لَهُ عَلَى ذَلِكَ» یا «ثُمَّ الْعَنْ أَعْدَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ»؛ این «آخِرَ تَابِعٍ لَهُ» و «الْآخِرِينَ»، چه کسانی هستند؟! مصداق امروزین این عبارات چه کسانی هستند؟! جز کفاری هستند که با طراحی «مدل‌های اداره» و به نام توسعه‌یافتگی، اخلاق تمام جوامع را به صورت اجتماعی به سمت «عَرَّتُهُ الدُّنْيَا» می‌کشاند؟! پس باید توجه داشت که «ظالمین» و دنیاپرستان کشیدگی تاریخی دارند و لو تغییراتی در شیوه‌ها ایجاد می‌کنند اما نسل به نسل، یک راه را طی می‌کنند. البته دنیاپرستی در عصر حاضر خیلی پیچیده‌تر و عمیق‌تر شده است زیرا حکومت‌های امثال یزید و معاویه، درکی از پیچیدگی‌های «الگوی همه جانبه توسعه» با اهداف کیفی و کمی آن نداشته‌اند. لذا آنچه امروز جایگزین «اَوْثَانِ» سنگی یا چوبی شده و برای «مَوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» مورد توجه کفار و دنیاپرستان قرار گرفته، «رفاه و توسعه» است. موضوع امتحان مسلمانان آن دوران، نحوه دنیاپرستی الگوی مصرف یزیدیان بوده است و امروز نیز موضوع امتحان مؤمنین، همین الگوی توسعه مادی است که به خاطر آبادانی دنیا و رسیدن به رفاه، به آن روی آورده‌ایم و تصور می‌کنیم امری است که ربطی به اسلام یا کفر ندارد. در حالی که در این الگوها، اسلام و دین در تبعیت از رفاهی معنا می‌شود که باید هر روز جدیدتر و به روزتر شود؛ زیرا اگر دائما رفاه، متنوع و روزافزون نشود، کشش و میل و حرص شدید اجتماعی بعد از دستیابی به آن، متوقف می‌شود.

پس باید توجه داشت وقتی مؤمنین از این شرایط «مشروطه اقتصادی» خارج می‌شوند که هدف‌گذاری‌های کیفی و کمی در الگوها و مدل‌های اداره و برنامه‌های توسعه و بودجه‌های سالانه، از تسلط کفار خارج شده و به دست عقلائی دین‌محور بیافتد. در این صورت است که رفاه در خدمت «تکامل معنوی جامعه» قرار خواهد گرفت؛ یعنی آسان‌سازی تمام امور برای درگیری با دشمنان خداوند. در جلسه قبل بیان شد که تکامل معنوی به معنای «درگیری با مراکز طغیان و استکبار و تولید اخلاق رذیله» است؛ همانند کاری که امام حسین و دیگر ائمه اطهار علیهم السلام انجام دادند: «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ» (حج/۷۸). بنابراین رفاه در نظام اسلامی باید به معنای «تسهیل درگیری با مراکز اخلاق رذیله برای اقشار مختلف مردم» باشد؛ بر این اساس است که قائلیم جمهوری اسلامی ایران - علی‌رغم همه مشکلات

و ناهنجاری‌هایی که هنوز گرفتار آن است - تنها حکومت حق و عدل در جهان می‌باشد زیرا مبنای شکل‌گیری نظام و اصل حاکمیت خود را اصل بودن «دنیا و رفاه» قرار نداده است بلکه «اسلام و ظلم‌ستیزی و مبارزه با استکبار» محور این نظام است و البته برای ایجاد عدالت اجتماعی و رسیدگی به مستضعفین، بدنبال ایجاد رفاه معقول برای عموم مردم نیز هست.

این‌که مشاورین و کارشناسان توسعه‌یافتگی مرتب می‌گویند: «از اقتصاد به سیاست قرض ندهید؛ بلکه سیاست باید در خدمت اقتصاد باشد؛ زیرا نباید به خاطر موضع‌گیری‌های سیاسی نظام در مقابل مستکبرین جهان، وضعیت اقتصادی کشور خراب شود» دقیقاً اشاره به قواعد همین مدل‌های رایج اداره کشورها است و وقتی متدینین و بخش اعظم روحانیت قائل باشند که هدف‌گذاری‌های معاش و امور اقتصادی مردم بعهد علوم متداول اقتصادی باشد، تبعیت «سیاست» از «اقتصاد» هم از لوازم آن است که کارشناسان اقتصادی می‌گویند؛ زیرا آن‌ها رسیدن به «رفاه» را محور همه امور اقتصادی، سیاسی و فرهنگی می‌دانند و می‌گویند: «مدیران سیاسی کشور نباید کاری کنند که با قطب‌های تولید رفاه در جهان روبرو شویم». البته همین حرف را با بیانی صریح‌تر و بی‌پرده‌تر، امریکایی‌ها و سران نظام سلطه می‌زنند که: «جمهوری اسلامی به جای پرداخت به وضعیت رفاه کشور خود، پول‌های زیادی را برای حضور در منطقه خرج می‌کند». در حالی که خود امریکایی‌ها میلیاردها دلار خرج حضور در منطقه می‌کنند تا مقدمات و اموال ملت‌ها را چپاول کند اما برای غوغاسالاری علیه نظام اسلامی، به «رفاه» و لوازمات رسیدن به آن تکیه می‌کنند.

در مقابل، حضرت امام با بنیانگذاری جمهوری اسلامی، رسیدگی به معیشت مستضعفین و عموم مردم را ذیل استکبارستیزی و مبارزه با دشمنان خداوند متعال و تحقق اسلام در زندگی مردم تعریف نمود.^۴ در

۴. امام خمینی: «آیا رفاه ملت و رسیدن ملت به چیزهای مادی آخر مقصد است؟! انبیا آمده‌اند تا مردم را، تا جامعه را، ترتیبی بدهند که رفاه زندگی مادی آنها باشد؟! مقصد انبیا این بوده است که مستکبرین بروند، و مستضعفین به نوای دنیایی برسند یا مقصد بالاتر از اینهاست؟! این همه انبیا آمده‌اند و دعوت کردند و کشته شدند، جنگ‌ها کردند و زحمت‌ها کشیدند، فقط برای این بود که مستکبرین را کنار بزنند، و توده‌های مردم را برای آنها رفاه حاصل کنند یا مقصد بالاتر از اینهاست؟! خدای تبارک و تعالی که انبیا را فرستاده است برای تعمیر دنیا فقط فرستاده است یا مقصد بیشتر از اینهاست، بالاتر از اینهاست؟! اگر مقصد همین شکست مستکبرین بود، ما به مقصد تقریباً رسیدیم و آنها را شکست داده‌ایم. ملت ما شکست داد اجانب را. دست خیانتکاران را قطع کرد. و این ریشه‌هایی هم که مانده است این را هم قطع می‌کنند. لکن مقصد همین نیست. اگر مقصد این بود که زاغه‌نشین‌ها از زاغه‌نشینی بیرون بیایند و یک سر و سامانی پیدا بکنند، این هم ان‌شاءالله می‌شود و با همت همه باید بشود، لکن باز مقصد این نیست. مقصد این است که کشور ما یک

واقع حقانیت جمهوری اسلامی نیز به همین امر است؛ زیرا جلوگیری از تسلط کفر بر جامعه اسلامی و مؤمنین (به عنوان پیام و مسیر امام حسین) را در «اصل حاکمیت» به پذیرش عمومی رسانده و بخشی از این امر نیز در ۴۰ سال گذشته محقق شده است؛ البته - همان طور که در این سلسله مباحث مطرح شد - این مهم، هنوز در «کیفیت حاکمیت» به صورت همه جانبه جریان پیدا نکرده است و لذا متأسفانه اهداف کیفی و کمی الگوهای متداول توسعه در کشور جریان دارد و اخلاق رذیله آن الگوها نیز در جامعه اسلامی وارد شده است و با تکیه بر آمارهای عینی و اصطلاحات کارشناسی (که باطن آن، همین اخلاق دنیاپرستانه است) به موضع گیری های رهبران نظام حمله می شود که «چرا رفاه کشور را دچار چالش می کنید؟».

علمایی که این نحوه از اداره کشورها را به دلایلی مانند: تجارب بشری، عقلانیت متخصصین، محاسبات کارشناسی عقلاء و... پذیرفته اند، باید توجه داشته باشند که اگر دلایل فوق صحیح باشد، اصل انقلاب و آرمان های استکبارستیز آن نیز بی معنا بوده است؛ زیرا ادعای استقلال سیاسی و نظامی و امنیتی، براساس تجارب بشری و محاسبات کارشناسی و متخصصانه بی معناست و اساساً تحقق «امنیت» نیز مانند دیگر موضوعات اداره کشورها، نیازمند علوم و ابزارهایی است که باید از صاحبان آن خریداری شود. لذا تمام کشورهای اسلامی منطقه (چه سنی و چه شیعه) برای رسیدن به این امنیت، مجبورند هزینه های گزافی را برای حقوق کارشناسان نظامی و امنیتی امریکایی و اروپایی و خرید تسلیحات حرفه ای از آنها صرف نمایند. بنابراین ادعای استقلال در این امور، در عرف متداول جهانی یک حرف نامعقول است زیرا با هزینه و تلفات کمتر و با عضویت در اتحادیه های امنیتی و نظامی دنیا می توان به راحتی امنیت کشور خود را تأمین کرد و الا گفته می شود: «با هزینه های سنگین سیاسی و خسارات بزرگ مالی و جانی از قبیل یک جنگ تمام عیار هشت ساله نظامی و درگیری های ۳۰ ساله منطقه ای روبرو خواهید شد».

پس اگر با دلایلی، کیفیت اداره کشور و تأمین معاش را امری عقلایی (مشترک بین اسلام و کفر) می دانید، باید اصل انقلاب کردن برای استقلال سیاسی و امنیتی و عدم وابستگی به الگوهای غربی در این امور نیز غلط و اشتباه باشد! در حالی که حضرت امام (ره) آن معنا از تعریف زندگی سیاسی و نیاز به امنیت

کشور اسلامی باشد؛ کشور ما در تحت رهبری قرآن، تحت رهبری پیغمبراکرم (ص) و سایر اولیای عظام، اداره بشود. رفتن مستکبرین مقدمه است. رفاه مستضعفین یکی از مقاصد اسلام است.» ۱۳۸۵/۳/۸.

و چگونگی تأمین آن را باطل می‌دانست^۵ و لذا باید زندگی مسلمانان و تعریف رفاه آنان وابسته به کفار و مستکبرین جهانی نباشد. چون محور ایجاد آن نوع امنیت «مَوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» است و به همین دلیل است که مرتب می‌گویند: «جمهوری اسلامی، ثبات منطقه و جهان را بهم زده است». چون جمهوری اسلامی، ثبات و نظم و قواعدی که دنیاپرستان برای اداره کشورها طراحی نموده را در بخش سیاسی و نظامی بهم زده و به آن‌ها عمل نمی‌کند و همانند سایر کشورها، به خاطر رفاه در مقابل «قطب‌های جهانی تولید رفاه» قد خم نمی‌کند. البته به دلیل اینکه آنها متوجه شده‌اند ما به قواعد و لوازمات رسیدن به رفاه مادی عمل نمی‌کنیم و از طرفی، الگوی متناسب با آرمان‌های انقلاب و مکتب را نیز تولید و تدوین نکرده‌ایم، از همین موضع ضعف و ناهماهنگی، کشور ما را مورد تحریم قرار داده‌اند. زیرا اگر در کنار مقابله سیاسی و نظامی با استکبار، ساده‌انگاری کردیم و «رفاه روزافزون» دنیاپرستان امروزین را مصداق آیاتی همچون: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا»^۶ (اعراف/۳۲) دانستیم، عملاً در برخی ابعاد اداره کشور به دنبال تحقق آن می‌رویم اما تحقق این هدف، دو ابزار مهم دارد: سخت‌افزار آن، «تکنولوژی» و چرخه مالی آن، «دلار» است. لذا با تحریم فناوری و تحریم دلار، کشور با چالش‌های جدی اقتصادی و معیشتی مواجهه می‌شود و تا انقلاب اسلامی تسلیم تمام نظم‌ها و قواعد آنها در امور سیاسی و فرهنگی و اقتصادی نشود، این تحریم‌ها باقی خواهد بود. مسئولین کشور نیز هرچه تلاش می‌کنند تا بتوانند جلوی این چالش‌های اقتصادی (مانند تورم، گرانی، افت ارزش پول ملی و...) را بگیرند در عمل موفق نشده‌اند چون ناخودآگاه، اصل مقصد آنان را پذیرفته‌اند. مگر این که دست از این نوع تعریف زندگی و رفاه برداریم که محور آن، اخلاق «مَنْ غَرَّتُهُ الدُّنْيَا» است و زندگی و رفاهی را بخواهیم که مانع از حرکت در مسیر امام حسین(ع) و انتقام خون ایشان نباشد و این مهم نیز با رفتار فردی و شخصی حاصل نمی‌شود.

۵. امام خمینی: «من دست و بازوی همه کسانی که بی‌ادعا و مخلصانه درصدد استقلال و خودکفایی کشورند را می‌بوسم. باز سفارش می‌کنم که به خدا متکی باشید و برای همیشه زیر بار شرق و غرب نروید. مردم باید تصمیم خود را بگیرند: یا رفاه و مصرف‌گرایی و با تحمل سختی و استقلال. و این مسأله ممکن است چند سالی طول بکشد، ولی مردم ما یقیناً دومین راه را، که استقلال و شرافت و کرامت است، انتخاب خواهند کرد». صحیفه امام، ج ۲۱، ص: ۲۳۱.

۶. «بگو: چه کسی زینت‌های خدا را که برای بندگان خود آفریده حرام کرده و از صرف رزق حلال و پاکیزه منع کرده است؟ بگو: اینها در زندگی دنیا، برای کسانی است که ایمان آورده‌اند».

در واقع تحقق اموری همچون «زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ» (آل عمران/۱۴) ساز و کار اجتماعی دارد که در دوران اباعبدالله (ع)، الگوی مصرف امپراتوری ایران و روم بوده است؛ در تاریخ آمده پاداشی که عبیدالله بن زیاد معلون برای کشتن امام حسین (ع) دریافت کرد ۵۰۰ میلیون درهم بود که می‌خواست با آن دو کاخ مجلل بسازد؛ یک کاخ با سنگ سفید برای فصل گرما و کاخ دیگر با رنگ سرخ برای فصل سرما! حال آیا نمونه‌ی این نوع کاخ‌ها در میان عرب جاهلیت یا مسلمانان صدر اسلام وجود داشت تا او هوس چنین کاری را کرده باشد؟ خیر؛ این نوع کاخ‌ها و کاخ‌سازی‌ها از معماری امپراتوری ایران و روم الگوگیری شده بود و لذا معماران و مهندسان ایرانی و رومی در این دوران، مورد قرب و احترام جامعه اسلامی قرار گرفته بودند. بر این اساس، وقتی گفته می‌شود به امثال ابن زیادها و عمر بن سعدها وعده «هزینه ساخت دو کاخ» یا «ملک ری» و غیره داده شد، همانند این است که امروزه هزینه ساخت فلان برج بزرگ تجاری یا فرمانداری کالیفرنیا یا نیویورک به کسی داده شود.

بنابراین امروزه ساز و کارهای اجتماعی اخلاق «مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيَا» در جهان، از طریق «برنامه توسعه پایدار و همه جانبه» جاری است و وقتی وارد کشور ما می‌شود، در تمام برنامه‌های پنج‌ساله و سالانه و همه وزارت‌خانه‌ها و... جریان پیدا می‌کند و مرتباً با شاخصه‌های معین و کمی، مورد ارزیابی نهادهای بین‌المللی قرار می‌گیرد تا فاصله توسعه‌نیافتگی کشور ما با کشورهای توسعه‌یافته به صورت عینی و با عدد و رقم مشخص شود و همین امر، باعث آبرومندی و عزت یا تحقیر ملت‌ها و حکومت‌ها می‌شود. لذا برخی متخصصین با ارائه همین آمارها، مرتباً جهت‌گیری نظام را زیرسوال می‌برند و باعث ناامیدی ملت می‌شوند. اما معنای رفاه در نظام اسلامی، تسهیل شرایط برای همه استعدادها در فاصله گرفتن از اخلاق رذیله و درگیر شدن با مراکز تولید اخلاق یزیدها و ابن زیادهای امروزین است و اکثریت ملت ایران هم عملاً بدنبال رفاهی هستند که متناسب با مکتب امام حسین (ع) باشد. اساساً به نظر می‌رسد این «لعن»‌هایی که امروز محبین و عزاداران حسینی بر قاتلین حضرت می‌فرستند، لعن بر همین معنا از رفاه و زندگی مادی است که انگیزه قتل اباعبدالله (ع) را پدید آورده است. لذا باید علما و روحانیون این امر وجدانی را برای مردم به بصیرت و عقلانیت تبدیل نمایند؛ گرچه حضرت امام نیز با تکیه به همین وجدان‌های ایمانی مردم ایران، انقلاب اسلامی را به پیروزی رساند تا رفاه و ابزارها آن تابعی از دفاع از اسلام و فرهنگ عاشورا قرار گیرد.

البته همان طور که در ابتدای انقلاب، تبعات و لوازم استقلال سیاسی و امنیتی را پذیرفتیم، باید برای تحقق استقلال در اقتصاد و کیفیت اداره کشور نیز توجه به تبعات و لوازمات آن داشته باشیم؛ توضیح آن که در ابتدای انقلاب، کارشناسان و فعالان سیاسی مرتباً به امام می‌گفتند: «با شعار استقلال سیاسی و درگیری با هر دو قطب شرق و غرب، در تمام دنیا منزوی خواهید شد» لذا در خاطرات نماینده ایران در شورای امنیت سازمان ملل آمده که در ابتدای انقلاب، هیچ‌کدام از سفرها با ما صحبت هم نمی‌کردند. لذا تبعات جدا شدن از «کیفیت اداره در جهان» در ابتدای انقلاب چنین اموری بود؛ اما یقین پولادین حضرت امام و مقام معظم رهبری و ایستادگی ایمان و غیرت دینی مردم ایران باعث شده که امروز نخست‌وزیر کشور توسعه‌یافته ژاپن در مقابل چشم همه جهان به ایران بیاید و به نیابت از ابرقدرت جهان التماس کند تا ما با امریکا مذاکره نماییم! این واقعیت کنونی در بخش سیاست است و می‌تواند دورنمای بخش اقتصاد هم باشد. یعنی وقتی توانستیم معادلات اقتصادی جهان را به هم بزیم و در این راه صبر و ایستادگی کردیم بعداً التماس خواهند کرد که دوباره به معادلات جهانی برگردید تا بقیه کشورها و ملت‌ها چشم امید به سوی این معادله اقتصادی جدید و الهی ندوزند.

از این رو، قطع وابستگی به معادلات کفرآمیز اقتصادی جهانی و کیفیت اداره متداول کشورها و قطب‌های رفاه بین‌المللی شبهات و تبعاتی به همراه دارد که البته با عنایت و رحمت خداوند متعال و با تکیه به انگیزه‌های الهی و حسینی ملت ایران - که نمی‌خواهد دنیاپرست و اهل دنیا باشد - آسان خواهد شد. به شرطی که همانند مشروطه سیاسی عمل نکنیم و این امور را بین کفر و اسلام مشترک ندانیم و یا در مقابل دستگاه همه‌جانبه آنها، به چند قید و شرط اکتفا نکنیم بلکه تمام هدف‌گذاری‌های مادی را ذیل اسلام بازتعریف کنیم. البته خروج از وضعیت فعلی (یعنی حاکمیت تکامل مادی بر اسلام در نحوه اداره کشور) نیز نمی‌تواند دفعتاً و یک‌شبه واقع شود؛ بلکه باید نقشه‌ای برای دوران گذار طراحی و به صورت تدریجی انجام شود.

در توضیح اجمالی مدل «تدریجی و گذار» برای توقف حاکمیت «رفاه روزافزون» بر شئون زندگی مردم باید گفت: ابتدا آن سطح از الگوی رفاه غربی که وارد زندگی عموم مردم شده است را رها کرده و فقط سطح بعدی از الگوی رفاه متوقف می‌شود زیرا اساساً کارشناسان اقتصادی، رفاه عمومی را در یک مرحله متوقف نکرده و مرتب رفاه مردم و تعریف آن را در تمام شئون زندگی مردم ارتقا می‌دهند و ما نیز در گام اول باید جلوی این ارتقا را بگیریم. البته این امر نه به صورت فردی محقق می‌شود و نه لزوماً با دستور و امر؛ بلکه

باید این گفتمان، جای مباحث سخیف جناحی و سیاسی در محافل متدینین و مؤمنین و مساجد و هیئات را بگیرد. مؤمنین و انقلابیون باید به این بحث پردازند که اگر در سال ۱۴۰۰ ریاست جمهوری کشور را عهده دار شدند آیا مدل کاربردی و دینی برای تغییر مسیر این ماشین متداول اداره را دارند یا نه؟! یا دوباره به طرح چند قید روبنایی نسبت به این ماشین بسنده می‌کنیم؟! مگر هم‌اکنون مجلس در اختیار نیروهای انقلابی قرار نگرفته است آیا این نیروهای ارزشی و انقلابی به مدلی برای «کیفیت اداره» براساس ارزشهای دینی و انقلابی رسیده‌اند؟ به نظر می‌رسد باید به جای بگو مگوهای جناحی، این نوع مباحث در محافل متدینین مورد گفتگو قرار بگیرد. بنابراین باید بتوانیم با داشتن یک نقشه جامع و دقیق، در اجزاء و روابط ماشین اداره مادی تصرف کنیم که گام اول آن، به معنای توقف در سطح رفاه کنونی و عدم تبعیت از سطح بعدی رفاه می‌شود؛ زیرا این رفاه، مصداق امروزین دنیاپرستی است. سپس باید این توقف در اهداف کیفی و کمی برنامه‌های توسعه منعکس شود.

پس اگر قائلیم امام حسین (ع) تا روز قیامت، کشتی نجات بشریت است باید بتوانیم با تکیه به معارف و انگیزه‌های الهی و عاشورایی این مسائل پیچیده را حل نماییم؛ زیرا کفار و دنیاپرستان امروزی با این ریاضت‌ها و زحمات، بر تمام بشریت حاکم شده و جامعه حسینی ایران را به طرف دنیاپرستی می‌کشانند. بسیار کودکانه و سطحی‌نگری‌ست که تصور شود به صرف گریه کردن و سینه زدن و خلوص نیت می‌توان به طرف اهداف آخرت‌گرایانه و پیام عاشورا حرکت کرد آن هم در حالی که دشمنان امام حسین برای عشق‌بازی با دنیا و فریبنده کردن آن، با همدیگر همکاری اجتماعی کردند: «قَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيَا» بلکه باید این گریه‌ها و سینه‌زنی‌ها به عنوان ابزاری برای انجام وظائف اجتماعی و بسیج جامعه و توسل به ساحت معصومین (ع) برای عبور از امتحان‌های بزرگ تلقی شود.

دشمنان امام حسین (ع) این‌گونه بودند: «وَبَاعَ حَظَّهُ بِالْأُذْلِ الْأَدْنَى» نصیبی که می‌توانستند از این دنیا با بهترین وجه ببرند به شیء پست و پایینی فروختند. این شیء پست، همان کاخ سفید و سرخ یا ملک ری بود که تمام چشم‌ها را می‌ربود. مؤمنین باید بدانند که امروز نیز «بِالْأُذْلِ الْأَدْنَى» همین الگوی رفاهی است که هر روز با تولید یک تکنولوژی جدید وارد زندگی مردم می‌شود؛ البته بدین معنا نیست که نظام اسلامی مخالف «تولید» است زیرا «تولید ثروت» در نظام اسلامی برای مقابله با قدرت اقتصادی نظام کفر اهمیت بسزایی دارد اما به معنای ترویج الگوی مصرف مسرفانه و روزافزون برای عشق‌بازی با دنیا نیست. لذا امیرالمؤمنین (ع) در دوران غصب خلافت، بالاترین تولید و کمترین مصرف را داشته است و البته کیفیت تولید ایشان همانند کیفیت تصرفات قوم عاد و ثمود در طبیعت نبوده است؛ که در جلسات گذشته بیان شد

خداوند متعال چه اوصاف اخلاقی بر این نحوه از تصرفات و تولید می‌فرماید: «اتَّبِنُونَ بِكُلِّ رِيحٍ آيَةً تَعْبَثُونَ * وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ» (شعراء/ ۱۲۸ و ۱۲۹) خداوند متعال بازی با دنیا و میل به جاودانگی در دنیا را بر کیفیت و چگونگی تصرفات آنها بر طبیعت تطبیق می‌دهد؛ حال امروزه مصادیق این نوع تصرفات بر طبیعت، چه کیفیت و چه نوع الگویی است؟ امروزه چه نوع تولید و تصرفی در طبیعت هست که محور آن جاودانگی در دنیا است؟ قبلاً بیان شد که امام سجاد (ع) فرمود: «ما آثر قومٌ قَطَّ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ، إِلَّا سَاءَ مُنْقَلَبُهُمْ وَسَاءَ مَصِيرُهُمْ» هیچ قومی نبود که دنیا را بر آخرت خود ترجیح دهد مگر اینکه عاقبت به شر شد. جامعه‌ای که دنیا را بر آخرت مقدم کند و آخرت خود را در برابر بهای ناچیز و پست بفروشد، چطور می‌تواند در مقابل ظلم‌های جهانی ایستادگی کرده و ادعای آمادگی برای مبارزه با کفار جهانی در رکاب حضرت ولی عصر (عج) داشته باشد؟! رفتن به سمت این مدل‌های توسعه غربی و آن کیفیت از رفاه، مصداق امروزین فروش آخرت است.

در ادامه توصیف قاتلین امام حسین (ع) در زیارت اربعین می‌خوانیم: «تَغَطَّرَسَ وَتَرَدَّى فِي هَوَاهُ» در هوای نفسشان فرو رفته و به آن فخر فروشی نمودند. به تعبیر مرحوم استاد صدوق، شدت علاقه قلبی و سوز دل این مردم به الگوی مصرف امپراتوری ایران و روم بود که جزمیت اجتماعی برای کشتن جگرگوشه رسول خدا (ص) را شکل داد و در انتها به صدها ضربه نیزه و شمشیر و خنجر در بدن اباعبدالله (ع) تبدیل شد. حال امروزه چه اموری این حد از جزمیت اجتماعی و علاقه قلبی را حول خود بسیج می‌کند؟ آیا مصداق امروزین آن، هوای نفس فردی و علاقه شخصی فلان مدیر یا مسئول به ماشین یا خانه یا حقوق نجومی است؟! به نظر می‌رسد رفتن به سمت این حقوق نجومی و این نحوه زندگی اشرافی در میان مدیران و مسئولین از لوازمات ماشین اداره کشور است که اخلاق اجتماعی همه مسئولین و مردم را تغییر می‌دهد. در این میان، فقط یقین پولادین مقام معظم رهبری است که تغییر نمی‌کند و به جای انفعال، سفارش الگوی جایگزین (یعنی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت) را مطرح می‌نماید و الگوی توسعه متداول را نفی می‌کند. اما نمی‌توان از همه نخبگان و مسئولینی که درگیر این ماشین هستند و به آن مانوس شده‌اند، توقع این سطح از یقین و ایمان را داشت لذا با ایجاد فضای محاسبات مادی که از طریق این الگوی توسعه برای مسئولین ایجاد می‌شود نگرش‌ها و عقلانیت‌ها و محاسبات مسئولین نیز تغییر می‌کند و «ریزش‌ها» انقلاب را رقم می‌زند. بنابراین نباید همه ریزش‌ها و انحرافات مسئولین را به اموری مانند: هوای نفس فردی یا نفوذ بیگانه یا عدم سلامت روحی از ابتدای انقلاب و... تحلیل نمود. بلکه وقتی حوزه‌های علمیه و دانشگاه برای تغییر این دستگاه محاسباتی مادی و تولید کننده اخلاق رذیله مسئولیت نمی‌پذیرند و مسئولین به این نوع

محاسبات انس و الفت پیدا می‌کنند، در بین آنها کسانی ریزش پیدا می‌کنند که سالها برای انقلاب مبارزه و مجاهدت کرده و قدرت خداوند متعال در حوادث انقلاب و جنگ تحمیلی جلو چشم آنها بوده است.

همانطور که کفار گذشته «مَوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» را به نام آیین «بت‌پرستی» در مقابل بشریت قرار می‌دادند امروز نیز «توسعه و تکامل در مقیاس شهوات» را با نام «توسعه‌یافتگی» برای بشریت آراسته کرده و به مذاق آنها می‌چشانند. با این تفاوت که در آن دوران، تبعیت از بت‌پرستی و فرمان‌بری از صاحبان معابد با خشونت، ارباب و زور و تهدید بوده است اما امروزه تبعیت از این الگوها با ظاهری دموکراتیک و انتخاب مردم و تزیین کردن آن از طریق شهوات مادی صورت می‌گیرد و برای رسیدن به این سطح از شهوات، مسابقه در توسعه‌یافتگی می‌گذارند.

باید توجه داشت که این مباحث دقیقاً توضیح پیام عاشورا و در راستای انتقام خون سیدالشهدا (ع) است؛ زیرا امروزه دشمنان حضرت که از یزید و ابن زیاد ارث برده‌اند با روش‌ها و بسترهای پیچیده‌تری وارد میدان شدند، لذا درگیری با آنها پیچیده‌تر شده است و جای اصلی فهم و بصیرت نسبت به این پیچیدگی‌ها همین هیئات و مجلس اهل بیت (ع) است. البته متأسفانه امروزه در مجالس عزاداری، یاری امام حسین (ع) صرفاً به خرید دستگاه صوت یا دادن هزینه غذا و... تطبیق داده می‌شود و جالب‌تر اینکه کسی نسبت به این نوع تطبیق دادن‌ها معترض نمی‌شود و نمی‌گوید: «اموری از قبیل خرید دستگاه صوت که در روایات نیامده است!» اما وقتی در این مجالس و هیئات به بررسی مصادیق اصلی کفر و دنیاپرستی در دوران حاضر پرداخته شده و تحلیل می‌شود که صاحبان دنیاپرستی امروزین که نقش عمرسعداها و شمرها را ایفا می‌کنند چگونه با ابزارهای مدرن یک امت را از پیام عاشورا جدا می‌نمایند، بعضی از افراد معترض می‌شوند و می‌گویند: «مجلس امام حسین (ع)، جای این نوع مباحث نیست یا در روایات که به الگوی توسعه و تکنولوژی و... که اشاره نشده!» در حالی که اگر عزاداران حسینی بخواهند همانند حضرت عباس (ع)، امام زمان (عج) را نصرت و یاری نمایند باید وارد صحنه پیکار فرهنگی شده و بر کارشناسی و علمی هجومه و فشار بیاورند که می‌خواهند عشق به دنیا و دنیاپرستی را در اهداف عینی برنامه‌های کشور حسینی و مهدوی، به صورت کمی و کیفی وارد نمایند. به عبارت دیگر هیئتی‌ها باید بتوانند اولاً به ملت حسینی ایران نشان دهند که مصداق امروزین این عبارات زیارت اربعین - که در این جلسه قرائت شد - الگوهای توسعه مادی و رفاه سرمستانه غربی است و ثانیاً بررسی نمایند که چه برنامه و مدلی می‌تواند با تمسک به انگیزه‌های الهی، ملت امام حسین (ع) را از الگوهای فراعنه و طواغیت زمان نجات دهد.

